

Unit 26 book 3

تغییر دادن

تغییر دادن چیزی به معنای ایجاد تغییر کوچکی در آن است.
رنگ ناخن هایم را متناسب با موهایم تغییر دادم.

کنار

اگر کسی کنار بماند ، آن طرف یا یک طرف است.
مرد کنار ایستاد و در را به روی من باز کرد.

فصل پاییز

پاییز فصلی از سال در بین تابستان و زمستان است.
من عاشق وقتی هستم که برگها در پاییز می افتند ، زیرا می توانم در آنها بازی کنم.

مخلوط کردن

مخلوط کردن به این معنی است که دو یا چند چیز را با هم مخلوط کنید تا به یک چیز تبدیل شوند.
همسرم همه مواد را با هم مخلوط کرده و یک خورشید خوشمزه درست کرده است.

سقوط - فروپاشی

سقوط به معنای فروپاشی ناگهانی است.
درخت درست رو بروی خانه ما فرو ریخت.

خرد کردن

له کردن چیزی است که باید آن را فشار دهید تا شکل آن از بین برود.
هنگامی که چیزی روی آن افتاد ، ماشین جدید سلنا خرد شد.

انحنای داشتن/پیچ خوردن

منحنی حرکت در خطی است که خم می شود و مستقیم نمی رود.
جاده به چپ و راست پیچ می خورد.

چندش آور

اگر چیزی نفرت انگیز باشد ، بسیار ناخوشایند است.
بعد از دویدن در طول روز ، پاهای گریگ بوی مشمئز کننده ای داشت.

زه کشی

تخلیه لوله ای است که آب را از ساختمان ، مانند آشپزخانه ، می برد.
هنگام شستن دست ها ، آب درون سینک ظرفشویی پایین می رود.

در آغوش گرفتن

در آغوش گرفتن بغل کردن است.
وقتی آنها دوباره یکدیگر را دیدند ، زوج خوشبخت در آغوش گرفتند.

حسادت

حسادت کردن به کسی این است که آرزو کنید چیزی را داشته باشید که او دارد.
سالی به این زوج خوشبخت حسادت کرد.

آتش بازی

آتش بازی اشیایی هستند که هنگام روشن شدن، نورهای رنگی ایجاد می کنند. نمایش آتش بازی بسیار زیبا بود.

آرد

آرد پودری است که از گیاهان تهیه می شود و برای تهیه غذاهایی مانند نان استفاده می شود. می خواستم یک پای بپزم ، اما آرد لازم داشتم.

فیوز

فیوز رشته ای است که شما برای منفجر شدن آتش بازی آن را روشن می کنید. پسر بچه فیوز موشک را روشن کرد و منتظر ترکیدن آن در آسمان شد.

زنجبیل

زنجبیل ادویه ای از ریشه یک گیاه است. طعم آن تند و شیرین است. زنجبیل یک ماده رایج در بسیاری از غذاهای هند است.

حسود

اگر حسودی کنید ، فکر می کنید ممکن است شخصی چیزی را از شما بگیرد. میریام حسود بود زیرا سو بیش از حد به جیم توجه داشت.

چسپ

چسپ ماده ای غلیظ و صاف است. پسرم برای یک پروژه مدرسه به مقداری چسپ نیاز داشت.

رسید

رسید کاغذی است که اثبات می کند چیزی دریافت یا خریداری شده است. بعد از بررسی رسیدم ، متوجه شدم که پول زیادی خرج کرده ام.

پاک کردن

پاک کردن چیزی به معنای کشیدن پارچه ای روی آن برای تمیز کردن آن است. گرد و غبار پنجره ها را پاک کرد.

سیم

سیم یک رشته نازک است که از فلز ساخته شده است. سیم ها به برج هایی متصل بودند که برق را به شهر می آوردند.

همه خاص هستند

هنگامی که من جوان بودم ، به نظر می رسید همه آنچه در خانه من اشتباه می شود تقصیر من است. یک بار ، برادرانم سعی کردند کلوچه درست کنند. آنها آرد و زنجبیل را مخلوط کردند و یک خمیر نفرت انگیز درست کردند. سپس آنها سعی کردند آن را در سینک ظرف شویی بشویند ، اما همه جای زمین را فرا گرفت. بعداً ، برادرانم گفتند که من این کار را کردم و مجبور شدم آن را پاک کنم.

من نگران این بودم که پدر و مادرم بیشتر از من آنها را دوست داشته باشند. یک روز پاییزی مطمئن بودم که باعث افتخار پدر و مادرم خواهم شد . من یک موشک نمونه ایی خریداری کردم. بعد از اینکه آن را جمع کردم ، همه را به تماشای آن دعوت

کردم. من می خواستم برادرانم به دانش فنی من غبطه بخورند. من فیوز را روشن کردم اما اتفاقی نیفتاد.

"به نظر می رسد آتش بازی شما کار نمی کند. امیدوارم رسید را نگه داشته باشی تا بتوانی آنها را پس بدهی." برادرم گفت.

"این آتش بازی نیست!" من دادزدم. آنها دوباره مرا مسخره می کردند.

من نمی دانستم چه اشتباهی رخ داده است من چیزی را تغییر نداده بودم. من به سرعت سیمها را در پایین حرکت دادم ، امیدوارم که بتواند کمک کند. ناگهان موشک بالا رفت. همانطور که در چمن پیچ خورد و کنار در صندوق پستی دویدیم ، کنار آن ایستادیم. سپس صندوق پستی خراب شد. موشک خرد شد.

با خجالت ، دویدم داخل و پنهان شدم. چند دقیقه بعد ، مادرم پرسید ، "حال شما خوب است؟"

"من فقط می خواستم آنها یک بار به من حسادت کنند. حالا می بینم که چرا تو و بابا من را به اندازه آنها دوست نداری ،" گفتم.

"این درست نیست!" گفت مادرم. "انگشتانم را ببینید. . هر کدام متفاوت است. شما بچه ها مثل انگشتان من هستید: همه متفاوت هستند ، اما من همه آنها را یکسان دوست دارم."

من او را در آغوش گرفتم. اکنون می دانم که والدینم به اندازه برادرانم مرا دوست دارند.